

فهرست تفصیلی مطالب :

پیشگفتار نویسنده / ۱۱

مقدمات / ۱۵

۱. مقدمه علم حقوق (سطح بنیادین) / ۱۶

۲. مقدمه علم حقوق (سطح متوسطه) / ۲۳

۳. مقدمه علم حقوق (سطح پیشرفته) / ۳۲

جلد اول - در اموال / ۴۳

قسمت اول - در اموال / ۴۳

۱. حقوق مدنی (۲) - (سطح مقدماتی) / ۵۶

۲. حقوق مدنی (۲) - (سطح متوسطه) / ۶۱

۳. حقوق مدنی (۲) - (سطح پیشرفته) / ۶۶

قسمت دوم : در عقود و معاملات / ۱۵۵

۱. حقوق مدنی (۳) - (سطح مقدماتی) / ۱۵۶

۲. حقوق مدنی (۳) - (سطح متوسطه) / ۱۶۵

۳. حقوق مدنی (۳) - (سطح پیشرفته) / ۱۸۰

- خواندنی ها (سه فصل طلایی کتاب / ۲۶۳
- فصل اول (میانی لزوم و جواز قراردادها و دکتر محمدحسین شهبازی / ۲۶۳
- فصل دوم (تقابل دکتر کاتوزیان و دکتر شهیدی در شروط ضمن عقد / ۲۷۹
- فصل سوم (معارضه سقوط تعهدات از منظر دکتر کاتوزیان و دکتر شهیدی / ۳۰۷
- قسمت سوم : الزام های خارج از قرارداد / ۳۶۱
۱. حقوق مدنی (۴) - (سطح مقدماتی) وقایع حقوقی چیست ؟ / ۳۶۲
۲. حقوق مدنی (۴) - (سطح متوسطه) الزام های خارج از قرارداد / ۳۶۸
۳. حقوق مدنی (۴) - (سطح پیشرفته) مسئولیت های خاص و مرتبط / ۳۷۳
- قسمت چهارم : در عقود معینه / ۴۳۳
۱. حقوق مدنی (۶) - (سطح مقدماتی) / ۴۳۴
۲. حقوق مدنی (۶) - (سطح متوسطه) / ۴۴۴
۳. حقوق مدنی (۶) - (سطح پیشرفته) (در تقابل میان دکتر شهیدی و دکتر کاتوزیان) / ۴۷۵
- ضمیمه ای از مباحث فقهی پیرامون عقود تملیکی / ۵۵۱
۱. حقوق مدنی (۷) و (۸) - سطح مقدماتی / ۵۵۵
۲. حقوق مدنی (۷) و (۸) - سطح متوسطه / ۵۶۱
۳. حقوق مدنی (۷) و (۸) - سطح پیشرفته / ۶۶۵
- ضمیمه ای از مباحث فقهی پیرامون حقوق مدنی (۷) و (۸) / ۶۸۳
- قسمت پنجم : میراث ۷۶۷

۱. حقوق مدنی (ارث) - (سطح مقدماتی) / ۷۶۸
۲. حقوق مدنی (ارث) - (سطح متوسطه) / ۷۷۰
۳. حقوق مدنی (ارث) - (سطح پیشرفته) / ۷۷۹
- ضمیمه ای از مباحث فقهی پیرامون ارث / ۷۸۵

- جلد دوم - در اشخاص / ۸۱۳
- قسمت اول : در اشخاص و محجورین / ۸۱۴
۱. حقوق مدنی (۱) - (سطح مقدماتی) - / ۸۱۴
۲. حقوق مدنی (۱) - (سطح متوسطه) - / ۸۱۵
۳. حقوق مدنی (۱) - (سطح پیشرفته) - / ۸۱۶

- قسمت دوم : در حقوق بین الملل خصوصی / ۸۲۹
۱. حقوق بین الملل خصوصی از منظر استاذ دکتر محمد نصیری / ۸۳۳
۲. حقوق بین الملل خصوصی از منظر استاذ دکتر بهسید ارفع نیا / ۸۳۶

- قسمت سوم : حقوق خانواده / ۸۶۷
۱. حقوق مدنی (۵) - (سطح مقدماتی) / ۸۶۸
۲. حقوق مدنی (۵) - (سطح متوسطه) / ۸۷۰
۳. حقوق مدنی (۵) - (سطح پیشرفته) / ۸۷۲

- جلد سوم - در ادله اثبات دعوا / ۹۳۷

- قسمت اول : شناخت ادله / ۹۳۷
- اثبات و دلیل اثبات (۱) - (سطح مقدماتی) / ۹۳۸
- اثبات و دلیل اثبات (۲) - (سطح متوسطه) / ۹۴۵

اثبات و دلیل اثبات (۳) - (در تقابل اثبات و دلیل اثبات دکتر کاتوزیان با دکتر شمس) /

۹۴۷.....

قسمت دوم : بررسی ماهوی و شکلی ادله / ۹۵۲.....

کتاب اول (در اقرار / ۹۵۲.....

کتاب دوم (در اسناد / ۹۵۶.....

کتاب سوم (در شهادت / ۹۵۹.....

کتاب چهارم (در امارات / ۹۶۱.....

کتاب پنجم (در قسم / ۹۶۱.....

ضمائم : آرای وحدت رویه و افزودها / ۹۸۱.....

سخن آخری از گروه حلقه حقوقی قسطنطنیه / ۹۸۲.....

منابع و مأخذ به روایت تصویر / ۹۸۳.....

avabook.com



۴- اوصاف قاعده حقوقی چیست؟
 همانطور که گذشت حقوق و ضرورت وجودی آن این بود

که حتی رهبران نیز مانند دیگران در برابر قانون باید مساوی باشند. این مهم با وصف کلی بودن قانون تامین می شود. این بدین معنا است که قاعده حقوقی کلی و عمومی است. منظور از کلیت مشمول قرار گرفتن همه مردم نیست و بلکه منظور این است که این قواعد حقوقی هنگام وضع ناظر بر یک نفر نباشد و با یک بار انجام شدن از بین نرود. همچنین قاعده حقوقی الزام آور است. قاعده حقوقی از طرف دولت تضمین می شود و الیه این که قاعده حقوقی برای تنظیم روابط اجتماعی به منته ظهور رسیده است (کاتوزیان - ناصر - مقدمه علم حقوق - پیشین - ص ۵۴ به بعد) - تعریف قاعده حقوقی: قاعده ای الزام آور است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حاکم بوده و از طرف دولت تضمین می شود.



۳- فلسفه و ضرورت وجود حقوق چیست؟
 از هنگامی که انسانها خویش را شناخته اند، ستم

هایی که حکام زورگو بر مردم روا می داشتند هرگز فراموش شدنی نبود و دانیان همیشه در پی آن بودند که اثبات کنند که قواعد عالی و برتر باید حاکم بر روابط و رفتار حکام باشد و آنها می بایست آن قواعد را سرمشق خویش قرار دهند. این ضرورت اینها حقوق (فطری) یعنی قواعدی که حتی رهبران یک جامعه در برابر آن حق قیام و مقاومت نداشته باشند را؛ توجیه می کرد و ضامن برابری و مساوات انسانها با یکدیگر بود. بدین سان؛ دو مکتب یعنی مکتب حقوق فطری که مبنای اصلی حقوق را عدالت می دانست و مکتب حقوق تحققی که مبنای حقوق را قدرت حکومت می دانست در برابر هم صف آرایی کردند (کاتوزیان - امیرناصر - مقدمه علم حقوق - پیشین - ص ۱۹ به بعد)



۶- انقسام حقوق به عمومی و خصوصی
قانون مدنی معمولا در تقسیمات پیش گفته مربوط به حوزه حقوق

خصوصی بوده و در آنجا مطالعه می شود. در آغاز قانون مدنی شامل تمام رشته های حقوق خصوصی بود ولی در ادامه ضرورت هایی باعث جدا شدن حقوق تجارت و یا حقوق کار از آن شد. فی المثل رابطه کارگر و کارفرما که از نظر تحلیلی چیزی بیش از اجاره اشخاص در قانون مدنی نیست (همان کتاب - ص ۸۹ به بعد) ولی بعده ها معلوم شد که قانونگذار می باید از کارگزاران در برابر کارفرمایان حمایت کند زیرا موضع در طرف در انعقاد قرارداد برابر نبود. همچنین حقوق تجارت نیز در ابتدا جزئی از حقوق مدنی به شمار می آمد ولی ضرورت سرعت بخشیدن به اعمال تجاری باعث جدا شدن آن از حقوق مدنی گردید. بنابراین حقوق مدنی در ابتدا شامل تمام رشته های حقوق خصوصی و مادر آنها بود. (همان)



۵- انقسام حقوق به عمومی و خصوصی: یکی از تقسیمات مهم حقوقی تمایز قائل شدن میان

حقوق عمومی و حقوق خصوصی است. حقوق خصوصی روابط افراد یک جامعه را با هم تشکیل می دهد فی المثل خرید و فروش اجناس در جامعه تابع قواعد حقوق خصوصی است و حقوق عمومی مربوط است به روابط افراد جامعه با اجتماع که (یک واحد سیاسی است) و یا با تأسیسات عمومی آن اجتماع یعنی حکومت. معمولا خود حقوق عمومی تقسیماتی نیز دارد. فی المثل حقوق اساسی که مقررات آن شکل حکومت و سازمانهای دولتی و حدود حقوق و وظایف دولت را معین می کند و یا حقوق اداری که هدف از اتیان آن تبیین طرز اعمال خدمات عمومی در کشور است (مستفاد از کتاب جمعری لنگرودی - محمد جعفر - مقدمه عمومی علم حقوق - کتابخانه گنج دانش - چاپ نهم - ص ۱۳).



۸- در اقسام حق:

حق اقسامی دارد. در یک تقسیم بندی کلی حق به مالی و غیر مالی تقسیم می شود.

حق مالی امتیازی

است که حقوق هر کشور به منظور تامین نیازهای مادی اشخاص به آنها می دهد. همچنین **حق غیر مالی** امتیازی است که رافع نیازهای عاطفی و غیر مادی انسانها است. قابل تقویم و مبادله با پول نیست و ارزش داد و ستد ندارد - مثال برای حق مالی مالکیت و حق انتفاع و حق ارتفاق نسبت به یک مال - مثال برای حق غیر مالی مثل حق حضانت که هم حق است و هم تکلیف - همچنین در تقسیم بندی دیگری حق به عینی و دینی تقسیم می شود.

حق عینی سلطه ای است که شخص نسبت به چیزی دارد و می تواند بی واسطه آن را اجرا کند. **حق دینی** حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می کند و می تواند انجام کاری را از شخص بخواهد (کاتوزیان - ناصر - مقدمه علم حقوق - پیشین - ص ۲۵۹



۷- در تعریف

حق و تکلیف:

حق فردی عبارت است از اختیاری است که قانون برای فرد شناخته

است که می تواند انجام عملی و یا ترک آنرا بخواهد و افراد در اعمال حق خویش کاملاً آزاد هستند. حق به مانند شی خارجی نیست که دیده شود بلکه اعتبار است و (تخیل) که قوه حاکمه از نظر حفظ نظم جامعه آن را شناخته است و از آن حمایت می نماید. در مقابل حق؛ تکلیف است. تکلیف عبارت است از امری که فرد ملزم به انجام آن می باشد و هرگاه برخلاف آن عمل کند بجزای آن دچار می شود؛ مثلاً قضات مکلفند در دعاوی حقوقی به پرونده؛ رسیدگی کنند و نمی توانند به عذر سکوت و یا نقص و یا اجمال و ابهام قوانین از رسیدگی امتناع کنند. این تکلیف اگر انجام نشود به مجازات مستتکف از احقاق حق دچار می شوند (امامی - سید حسن - حقوق مدنی - جلد چهارم؛ انتشارات اسلامیه؛ ص ۱۱



۹- در فایده

انقسام حق به

عینی و دینی:

تقسیم حق به عینی

و دینی دارای آثار

حقوقی فراوان

است. در حق عینی صاحب آن

می تواند به صورت مستقیم مال خویش

را تحت سلطه بگیرد و حال آنکه حق

دینی حقی است که نسبت به مال؛ غیر

مستقیم قابل اعمال است یعنی تنها با

اجبار متعهد می توان انجذاب آن را

خواست. حق عینی در برابر همه قابل

استناد است ولی حق دینی را تنها از

متعهد می توان خواست. حق عینی

متضمن حق تعقیب برای صاحب آن

است ولی حق دینی حاوی حق تعقیب

نیست. حق عینی متضمن حق تقدم

برای مالک آن است ولی حق دینی

معمولا متضمن حق تقدم برای صاحب

آن نیست مگر به تصریح قانون -

بنابراین در حق عینی اجرای حق دینی

بر طلب ساده برتری دارد. (کاتوزیان

- ناصر - اموال و مالکیت - میزان -

ص ۱۸ به بعد)

۱۰- حقوق

شخصیه و

حقوق عینی:

حقوق

شخصیه

مربوط است

به قواعدی که



راجع به هیت اشخاص می باشد مانند

ابوت و بنوت و صغر و رشد و ولایت

و وصایت و ازدواج و طلاق که معمولا

این قواعد آمرة هستند یعنی نمی توان

برخلاف آن تراضی کرد و حال آنکه

حقوق عینیه علاقه و ارتباط افراد و

اشخاص را به عین یک مال ترسیم

می کند و معمولا هم امری نیست یعنی

می توان برخلاف آن تراضی نمود .

احوال شخصیه مخصوصه اوصاف غیر

مالی ناظر بر اشخاص است که صرف

نظر از شغل و مقام او در اجتماع دارای

آثار حقوقی اند و این حقوق قابل

تقویم و مبادله با پول نیست و ذاتا هم

غیر مادی و همچنین غیر مالی است

(حائری شاه باغ - سید علی - شرح

قانون مدنی - کتابخانه گنج دانش -

ص ۴)